

مستندنگاری از ایران به روایت عکاسان فرانسوی

* نازنین داوری

چکیده: ایران همواره به عنوان سرزمینی که به علت شرایط جغرافیایی، مورد توجه بوده، افکار غربی‌ها را مفتون خود کرده است و مستندنگاری از آن که بسان آینه تمام‌نمایی از فرهنگ و هویت این سرزمین می‌باشد، از اهمیتی به سزا برخوردار است. شناخت عکاسان فرانسوی که در میان عکاسان بین‌الملل مهمترین افرادی هستند که ایران را از دوره قاجار تا به امروز به تصویر کشیده‌اند، معرفی منابع تصویری که در این زمینه موجود می‌باشد، از جمله مسائلی هستند که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مستندنگاری توسط این عکاسان طی این سال‌ها، تحولاتی شگرف را تجربه نموده است. در سال‌های اولیه ورود دوربین عکاسی به ایران، بازنمایی مظاهر سنتی، حفظ دنیای گذشته و جنبه‌های غریب و شگفت‌انگیز و عکاسی از دربار، بسیاری از این عکاسان را تحت تأثیر قرار داده، اما با وقوع تغییراتی در کشور، این روایت مستند، ارتباط نزدیک‌تری با واقع‌گرایی پیدا کرده و به عنوان شاهدهی مکتشف و بیانگر نسبت به گذشته ظاهر شده است.

واژگان کلیدی: مستندنگاری، عکاسان فرانسوی، آژانس عکاسی مگنوم.

◆ مقدمه

در ذهن غریبان شکل گرفته بود؛ بسان تمدن کهن و رمزآلود مصر باستان.

ورود عکاسی به ایران در سال ۱۸۴۲ م توسط نیکلای پاولوف روسی Nikolaj Oavlov و در پی آن ژول ریشار فرانسوی Jules Richard انجام شد. و تمایل دربار به آن باعث شد که عکاسی در سال‌های نخست معطوف به مستشاران نظامی، بازرگانان و تجاری از کشورهای روسیه، فرانسه و ایتالیا شود. ایشان گاه در راستای تحقق اهداف دول استعماری خود و یا به درخواست شاه در ایران به مستندنگاری از این سرزمین می‌پرداختند، همین امر سبب شد تا عکاسی، هنری درباری قلمداد شود. مدرنیته شدن در غرب مسبب حرکتی به سوی تجدّد کشور در دوره پهلوی اول شد. این سیاست فرهنگی در کنار ارج‌گذاری و تأکید بر تاریخ دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی زمینه‌ساز مستندنگاری عکاسان فرانسوی بود. با توجه به شرایط پر مخاطره اجتماعی ایران در دوران انقلاب و جنگ، خیرگزاری‌های خارجی و آژانس‌های عکاسی بسیاری از عکاسان مطرح فرانسوی فرصت مناسب را برای به تصویر کشیدن ایران یافتند. اگر یک تصویر ارزش هزار واژه را دارد،

پس از ورود دوربین عکاسی به دنیای غرب در نیمه اول قرن نوزدهم، طولی نکشید که عده‌ای از مشتاقان این فن نوپنید به رویکرد استفاده از آن تمایل پیدا کردند و خود را در آن سوی مرزها مشغول عکاسی از سرزمین‌های ناشناخته یافتند. میراث بجای مانده از این افراد ماجراجو که با استفاده از فرآیندهای متفاوت ثبت تصویر در قرن نوزدهم به تهیه آرشیوی تصویری از سرزمین‌های ناشناخته دنیای آن روز می‌پرداختند؛ بخش عمده پیشینه عکاسی مستند می‌باشند. بدین ترتیب، تصاویر ذهنی‌ای از دیگر نقاط جهان بر لوحه‌ی افکار مردم مغرب زمین نقش می‌بست و عکاسی مستند هم در این میان نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌نمود زیرا که عکس سند و عین واقعیات بود. در اواسط این قرن (۱۹ میلادی) کشور ایران در پی رقابت دولت‌های فرانسه، انگلیس و روس در عرصه بین‌المللی، به عنوان یکی از سرزمین‌های ناشناخته و بکر به لحاظ تنوع جغرافیایی، بومی و فرهنگی با داشتن تمدنی چند هزار ساله مورد توجه قرار گرفت. یکی از دلایل عمده آن داستان‌های اساطیری و ادبیات غنی‌ای بود که از ایران

* کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه الزهراء (س).



تصویر ۱: ناصر الدین میرزا در ۱۶ یا ۱۷ سالگی تابلوی رنگ روغن کار محمد غفاری (کمال الملک) ۱۲۹۸ هجری قمری موزه کاخ گلستان تهران احتمال دارد کمال الملک این تابلو را از روی یکی از داگرتیپ‌های ریشار کشیده باشد (ذکاء، ۱۳۷۶، ۷).

پس ده تصویر می‌تواند یک داستان کوتاه بسازد، هزاران واژه‌ای که هم عرض یک تصویر است عمدتاً اسم و صفتند، در حالی که داستان به فعل نیاز دارد. همانگونه که بعضی از این عکاسان، بخصوص در دوره انقلاب، در عکس‌های خود کیفیت لحظاتی خاص را به یاد ما می‌آورند، آنها با قرار دادن فعل، داستان ایران را تکمیل کرده‌اند. این پنداشت‌ها و تصورات باعث می‌گردند تا واقعیات مستند شده از گذشته تا به حال ایران (۱۹۹۴-۱۸۴۴م) از دیدگاه عکاسان فرانسوی تصویر شود.

◆ ژول ریشار

ژول ریشار^۳ در حدود سال ۱۸۱۶ م در شهر اوتره Autrey فرانسه چشم به جهان گشود. وی در ۱۸ ژوئیه ۱۸۴۴ پاریس را به آهنگ ایران (در زمان حکومت محمد شاه) ترک کرد و در تهران در یک خانواده ایرانی به سمت معلم زبان فرانسه



استخدام گردید (ذکاء، ۱۳۷۶، ۳).

در سال ۱۸۵۰ م "ریشار" طی ابتکار "ناصرالدین شاه" مأموریت پیدا کرد که از سنگ نوشته‌های تخت جمشید عکس تهیه کند ولی متأسفانه او تا اصفهان پیش نرفت و اجرای این کار را به دلایل مالی و نداشتن دوراندیشی شخصی برای جاودانه کردن نام خود بر صفحه‌ی تاریخ عکاسی ناتمام گذارده و به تهران بازگشت.^۱ مسیور ریشار در سال ۱۲۷۲ ه.ق تغییر مذهب داد و نام خود را رضا گذاشت. "ناصرالدین شاه" به سال ۱۸۶۸ م، به ریشار لقب خانی داد و از آن پس او را "میرزا رضا خان ریشار" خواندند.

از عکس‌های "ریشارخان" که بر روی لوحه‌های سیمین به شیوه داگرتیپ گرفته بوده اثری بازمانده، لیکن از چند عکس برداشته شده به دست او که یکی پرتو محمدشاه و دوتای دیگر پرتوهای کودک و جوانی ناصرالدین شاه است که "میرزاخان کمال الملک غفاری" در سال ۱۸۷۸ م سه یا چهار تابلو رنگ روغن روی بوم ساخته است. «تصویر ۱» ریشار خان علاقه خاصی به آثار باستانی و هنری ایران داشت و در سال‌هایی که کسی در ایران توجهی به حفظ و نگهداری این و آثار نداشت و آنها را مفت و ارزان به دلالتان عتیقه می‌فروختند مجموعه‌ای فراهم آورده بود که آن را به موزه "ویکتوریا آلبرت" لندن فروخت. "میرزا رضا خان ریشار" در روز (۲۰ مه ۱۸۹۱ م) در هفتاد و پنج سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و در گورستان "آب انبار قاسم خان" بر سر راه تهران به شهر ری به خاک سپرده شد. (ذکاء، ۱۳۷۶، ۷)

◆ کارلیان

پس از گذشت پانزده سال از تاریخ نخستین عکسبرداری در ایران، عکاسی از جنبه تفننی و غیر فنی به در آمده، حالت جدی و لازم به خود می‌گرفت، نیاز به حضور استادی ماهر در این رشته احساس شد به این جهت



ناصرالدین شاه که خود دلبسته عکاسی بود به فرخ خان امین الملک دستور داد که یک عکاس ماهر حرفه‌ای با خود به ایران بیاورد. "فرخ خان" در سال (۱۸۵۹ م) همراه خود عکاسی فرانسوی را به نام "کارلیان" به تهران آورد که فن عکاسی را در ایران سر و صورتی بدهد. چنین می‌نماید که "ناصرالدین شاه" همچون "آقا رضا" در فرا گرفتن عکاسی شاگرد این شخص فرانسوی بوده و همه کارهای مربوط به عکاسی را نزد "کارلیان" آموخته بوده است. (ذکاء، ۱۳۷۶، ۲۴)

از نمونه کارهای مستند نگاری وی عکس‌هایی از دو ستون کهن منطقه "خوره" (از آثار دوران سلوکیان در ناحیه محلات استان مرکزی) که به هنگام سفر به همراه "ناصر الدین شاه" در سال‌های ۱۸۵۹-۱۸۶۰ م گرفته است را می‌توان نام برد. عکس‌های "کارلیان" تماماً بر ایرانیان

◆ هانری بلوکویل دوکولیف

"هانری بلوکویل دوکولیف" Couliboeuf H. Blocqueville de پزشک و نقاش و عکاس فرانسوی بود که روح حادثه‌جویی او را به سوی ایران کشانیده بود. وی تنها از راه عکاسی که امید موفقیت بیشتری در آن بود خود را به دربار و دستگاه دولتی ایران نزدیک و نزدیک‌تر نمود و به زودی به عنوان عکاس دربار شاه ایران استخدام شد در عین حال قرار بر آن شد که به عنوان افسر گارد سلطنتی در سازمان ارتش ایران مشغول خدمت و وظیفه‌اش نقاشی از وسایل و ادوات و صحنه‌های جنگی باشد. شرح و موضوع بسیاری از عکس‌هایی که بلوکویل از مناظر گوناگون ایران می‌گرفت در مجله توردوموند Tour de Mounde آن زمان به صورت گراوور حکاکی و چاپ می‌شد زیرا هنوز چاپ اصل عکس در صفحات کتاب و مجله‌ها ممکن نگردیده بود. "بلوکویل" در سال ۱۸۰۷ م به دنبال شکست سپاه ایران در جنگ با ترکمن‌ها به اسارت گرفته شد. "بلوکویل" شرح چهارده ماه اسارت خود را در نزد ترکمنان نوشته و در مجله "توردوموند" (نیمه اول سال ۱۸۶۶م) به چاپ رسانیده است. (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۷ و ۴۸)



متمرکز است. تا آنجا که مستندات عکس‌های موجود نشان می‌دهد، "کارلیان" از اولین عکاسان پرتره در ایران است و همین مورد اهمیت بسزایی در تاریخ عکاسی ایران دارد؛ هم از بعد فنی و هم هنری. به علت نزدیکی به دربار ناصری، اولین اشخاصی که در مقابل دوربینش قرار گرفته‌اند، به غیر از "ناصرالدین شاه"، تعداد معدودی از خانواده و سپس "توکرها" بودند. به نظر می‌رسد که او در دوران اقامت و کارش در ایران دست به مستندسازی مردم‌شناسی زده است. روش کارش برخاسته از یک سنت "تصویرسازی از غیر" متداول در اروپا است که از قدمت اختراع عکاسی (۱۸۳۹ م) فراتر می‌رود و ریشه در جهان‌بینی غربیان دارد. مهمترین وجه مشخصه این شیوه از عکاسی متداول در قرن نوزدهم، نوعی "ساده‌انگاری" واقعیت و خلاصه کردن دنیای انسان‌ها در چارچوب چند تصویر ساده و مشخص تحت عنوان تیپ‌نگاری است.

زیرنویس چنین عکس‌هایی سهم بسیار مهمی در ارائه تصویر نهایی از سوژه عکس ایفا می‌کنند و در کنار یکدیگر، دنیای انسان‌ها را به تیپ‌های مختلف طبقه‌بندی می‌کنند. اکثر این عکس‌ها، تصویری "کاریکاتور" گونه از ایرانی ارائه می‌کنند. جالب این که آنچه که عکس پرتره کارلیان را به یک کاریکاتور مبدل می‌سازد، همان زیرنویس‌هاست (شیخ، ۱۳۸۲، ص ۱۳ و ۱۴).

◆ ژان دیولافوا

در ۲۹ ژوئن سال ۱۸۵۱م در لنگلید Langlade, ژان دیولافوا" Jean Dieulafo بانوی باستان‌شناس، کاشف، نویسنده و خبرنگار فرانسوی در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا آمد. وی پس از ازدواج با شوهرش "مارسل دیولافوا" Marcel Dieu le foy در سال ۱۸۷۰م، همراه وی به ارتش ملحق شد و هنگامی که مارسل مقام نائب رئیس کاوش‌های فرانسه در ایران منصوب شد او را همراهی کرد. (Calnard, 2007)

این زن از هنگام حرکت از فرانسه تا موقع مراجعت به آنجا وقایع روزانه‌ی مسافرت و نتیجه مشاهدات و تحقیقات و مطالعات شوهر خود را مشروحاً یادداشت کرده و به صورت کتابی به عنوان (مسافرت "دیولافوا" در ایران و شوش و کلد) در پاریس به چاپ رسانده است. وی با گرفتن عکس‌هایی از ایرانیان در گروه‌های مختلف اجتماعی، بخصوص زنان آثار باستانی و ... برای هر موضوع شاهدهی تصویری افزوده است و بیشتر عکس‌ها را یا خود گرفته است و یا نقاشی کرده است. اهمیت ویژه کار وی تهیه این تصاویر می‌باشد، چرا که امروز از آثار واقعی این



■ تصویر ۲: پتروفسکی مستشرق، یک زرتشتی و پسرش در تهران، سال ۱۸۶۰م، کارلیان منبع: (شیخ، ۱۳۸۲، ۲۱)

تصویرها، گاهی دیگر هیچ نشانی باقی نمانده است و با تغییر کل در آداب و رسوم، برخی از پیشه‌ها و هنرها از میان رفته‌اند و تنها عکس از آنها می‌تواند بازگوی کیفیت آنها باشد. حاصل کار وی نوعی نگرش مردم شناسانه زودهنگام و پیش‌رس است که بدون برخورداری از ابزار و روش‌های لازم انجام گرفته بود. در این عکس‌ها دیدگاه یک زن اروپایی نسبت به زندگی زنان ایرانی مشهود است. آثار وی از لحاظ حساسیتی که به پژوهش قوم‌شناسی دارند، مهمند. ژان دیولافوا^۳ در سال ۱۹۱۶م درگذشت. (دیولافوا، ۱۳۶۹، ۸ و ۹)



تصویر ۳: گاو میشان اساطیری تخت جمشید، بدون تاریخ، دیولافوا، چاپ عکس، کلیشه روی چوب. (دیولافوا، ۱۳۶۹، ۴۱۲)

بود، این کتاب‌های مصور دارای ۶۲۰ عکس بودند. این عکس‌ها با یک دوربین قابل حمل بدون پایه گرفته شده‌اند صفحات حساسی که وی برای عکسبرداری از آنها استفاده کرده "ژلاتینومورنقره" Dry-plate و در اندازه ۱۸×۱۳ س.م بودند و چاپ عکس‌ها بر روی کاغذ ژلاتین نقره انجام شده بود. متأسفانه اغلب عکس‌ها به خاطر شرایط بد نگهداری، در طی زمان دچار "رنگ پریدگی" و "کاهش تباین" هستند. برخی از عکس‌ها نیز به دلیل عدم مهارت فنی "دمورگان" در عکاسی، در شرایط نوری گوناگون از کیفیت خوبی برخوردار نیستند. (طهماسب پور، ۱۳۷۹، ۴۲)

با این حال عکس‌های دمورگان به لحاظ توجه به جنبه‌های فرهنگی، مردم‌شناختی، جغرافیایی ایران در حدود ۱۱۰ سال پیش دارای اهمیت تاریخی و علمی است و وضعیت ساختمان‌ها، موقعیت شهرها و روستاها، طرز زندگی و آداب و رسوم، پوشاک و مسکن شهری و روستایی در آخرین سال‌های حکومت ناصرالدین شاه قاجار، از نگاه یک پژوهشگر غربی قابل اعتناست. ژاک دمورگان در سال ۱۹۲۴م، در جنوب فرانسه، چشم از جهان فرو بست. (نصیری مقدم، ۱۳۸۰، ۲۳)



تصویر ۴: چارکه وود، تنکابن، آقای لئو نیداس، (لبیان صائب) و خانه‌اش، بدون تاریخ، دمورگان منبع تصویری: (نصیری مقدم، ۱۳۸۰، ص ۲۳)

◆ ژاک دمورگان

ژاک دمورگان Jacques de Morgan در سوم ژوئن ۱۸۵۷م، در "هویسو سورکن" Huisseau-Sur-Cosson در مرکز فرانسه به دنیا آمد. همانطور که "ژاک دمورگان" در خاطرات خود نوشته است، زندگی حرفه‌ای او در واقع با نخستین سفر علمی‌اش به ایران در سال ۱۸۸۹م آغاز شد. در این سفر که مدت دو سال ستیامبر ۱۸۸۹ م تا نوامبر ۱۸۹۱ م به طول انجامید، "دمورگان" از طرف وزارت معارف فرانسه مأموریت داشت تا حفاری‌هایی در منطقه خرگوش تپه در ناحیه آمل و کاوش‌هایی در مراغه و ساوجبلاغ انجام دهد. (نصیری مقدم، ۱۳۸۰، ۱۳)



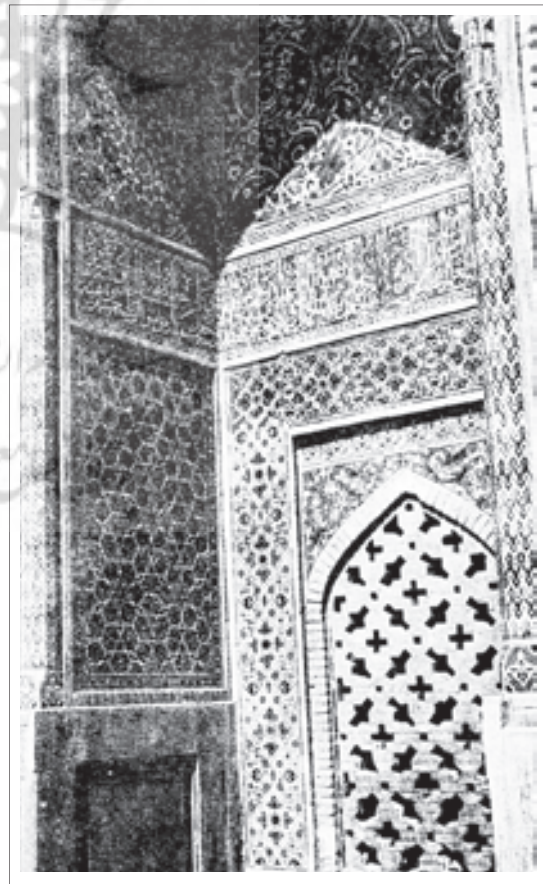
"ژاک دمورگان" در طول سفرش به ایران کتابی در چهار جلد تحت عنوان "مأموریت علمی در ایران" به چاپ رسانده



◆ آندره گدار ۲

"آندره گدار" فرانسوی متولد ۱۸۸۱ م در سال ۱۹۲۸م به درخواست دولت ایران به ایران آمد تا اداره‌ی باستان‌شناسی را تأسیس و نظامنامه‌ی مربوط به عتیقه‌ها را تدوین و فهرست روشمند ابنیه تاریخی را تهیه کند و به مرمتشان مبادرت ورزد. علاوه بر آن وی چندین بنا از جمله "موزه باستان‌شناسی تهران" را که گنجینه‌های آن را نیز فهرست کرد، و دانشگاه را که نقشه‌ی کلی آن را ترسیم و کارهای ساختمانی آن را هدایت کرد، ساخت. وی مدرسه "هنرهای زیبای تهران" را پایه‌گذاری نموده است. او مقاله‌های تخصصی بسیار در سالنامه اداره باستان‌شناسی ایران، "آثار ایران" منتشر کرد وی با ارائه طرح و نقشه و عکس بناها به معرفی یکایک این آثار در این جزوه سالانه پرداخت و پس کتاب مهم "هنر ایران" را در سال ۱۹۶۲ م چاپ کرد. گویی هر قسمت تصویر باید دلیل موثقی داشته باشد. وی در سال ۱۹۶۲ م درگذشت.

(موزه ملی ایران، ۱۳۸۰، ۱۷۸، ۱۷۹)



■ تصویر ۵: مسجد جمعه اصفهان، نمای یکی از غرفه‌های رو به صحن، بدون تاریخ، گدار منبع: (گدار، ۱۳۷۱، ص ۲۸۵).



◆ هنری کارتییه - برسون

Henri Cartier Bresson
عکاس فرانسوی، متولد سال ۱۹۵۸م است. در سال ۱۹۴۵م، با گروهی از ژورنالیست‌های حرفه‌ای تصاویری را از آزادی فرانسه در جنگ جهانی دوم گرفت و سپس فیلم مستند "بازگشت" را ساخت. در سال ۱۹۴۷م، با "رابرت کاپا" Robert Capa، "جورج راجر" George Rodger و "دیوید سیمور" David Seymour "آژانس عکاسی" "مگنوم فوتو" photos Magnum را تأسیس نمود. پس از ۳ سال مسافرت به شرق در سال ۱۹۵۲م، به اروپا بازگشت جایی که اولین کتابش را به نام "لحظه قطعی" منتشر نمود. (Magnum photos, 2007)

او با این عبارات، روش عکاسی خود را شرح داده است: "دوربین برای من یک کتاب طراحی، ابزاری برای درک ناگهانی و مستقیم و صاحب اصلی آن لحظه است که در قالب عبارات بصری سوالات را در ذهنم مطرح می‌کند و به طور همزمان تصمیم می‌گیرد. دوربین صرفه‌جویی در معانی است تا فرد به سهولت بیان دست یابد. فصاحت و شیوایی صوری تصاویر "برسون" ستایشی است از معانی انسانی، آنها در پاسخ به زندگی خاص و صریح به وجود آمده‌اند. "برسون" در عکس‌های مردم ایران مسحور شدگی خویش را در دنیای آنان به نمایش گذارده است. عکس‌های او به گونه‌ای تودار و خاموش، مملو از تجربه، پر رمز و راز و حقیقی‌اند. وی در ۳ اگوست سال ۲۰۰۴ م فوت نمود.



■ تصویر ۶: گارد سلطنتی ایران، دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، برسون منبع: (-، Delpire, 2004)

◆ برونو باربی



برونو باربی "Bruno Barbey" فرانسوی متولد مراکش است. او در رشته‌های عکاسی و گرافیک در دانشگاه هنر میترز E cole des Artset Metiers در "ووی" Vevy سوئیس تحصیل نمود. به طور منظم با مجله مد "وگ" و آژانس عکاسی "مگنوم" مشارکت داشت. در سال ۱۹۶۸ جنگ‌های داخلی در نیجریه، ویتنام، بنگلادش، کامبوج، عراق و کویت را تحت پوشش (عکس‌های خود) قرار داد. (Magnum photos, 2007)

"باربی" به ویژه به خاطر کاربرد آزادانه و هماهنگ خود از رنگ در عکس‌هایش شناخته شده است. وی در مجموعه آثارش از ایران لذت ماجراجویی، دیدن بی‌غرضانه را به تصویر کشیده است.

تاجگذاری "محمد رضا پهلوی" در تهران حضور داشت و از این مراسم عکاسی نمود. یکی از تصاویر وی از این مراسم در عین واقعیت با نگاهی طنز آلود سان دادن سربازان گاردی با جارویی است. به نظر می‌رسد، آرویت "ابهت" مراسم را به سخره کشیده؛ نگاهی که به صورت غالب همواره در مجموعه آثارش دیده می‌شود که ترکیبی از نگاه مستقیم Straight همراه با طنز است.



تصویر ۸: جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، سال ۱۹۷۱ میلادی، ارویت. منبع: (1997/1998, p.219) (Elliot Erwitt)



تصویر ۷: تهران، سال ۱۹۷۱ میلادی، باربی. منبع: (-) (Magnum Photos, 2007)

◆ ژیل پرس



ژیل پرس "Gilles Peres" در سال ۱۹۴۶م در فرانسه متولد شد. "پرس" در ۱۹۷۱ به آژانس عکاسی "مگنوم فوتو" پیوست و سه بار به عنوان معاون و دو بار به عنوان رئیس همکاری نمود. او در سال ۱۹۷۹ م همزمان با آغاز انقلاب اسلامی در ایران حضور داشت و عکس‌های بسیاری از ایران گرفت که تحت عنوان تلکس ایران Telex Iran در سال ۱۹۸۴ م انتشار یافت. این کتاب شامل عکس‌هایی از پنجره اتومبیل، پشت پرده، عکس از عکس و عکس‌های محو در پلان اول و دوم تصویر به همراه انواع پیام‌های تلکسی

◆ الیوت ارویت Elliot Erwitt



"ارویت" متولد پاریس در سال ۱۹۲۸ م. از والدین روس می‌باشد، کودکی‌اش را در میلان ایتالیا سپری نمود. در سال ۱۹۵۳م ، "ارویت" به آژانس عکاسی "مگنوم" پیوست و به مدت سه سال به عنوان رئیس "مگنوم" خدمت نمود. (Magnum Photos, 2008)

وی به خاطر کارهای خیرخواهانه‌اش و فعالیت بشردوستانه شهرت یافت. "الیوت ارویت" در مراسم

فروبیست. جایزه معتبر و جهانی press club America Overseas برای بهترین گزارش تصویری از خارج از آمریکا به نام او نام‌گذاری شد. (Imagemuseum, 2007)

"رئودر" تصویرش از انقلاب ایران، فضایی آشفته درعین حال پرشور را با محو کردن افراد پس‌زمینه کادر و تمرکز بر اسلحه‌ی جلوی کادر که آنها را نشانه گرفته است، ایجاد نموده است.



تصویر ۱۰: طرفداران شاه پهلوی، سال ۱۹۷۹ میلادی، ریو. منبع: (photo, -, p.178-179) (World press)

ردوبدل شده بین "ژیل پرس" و "آژانس" مگنوم" می‌باشد. (واکر، ۱۳۷۸، ۱۵ و ۱۶)

"پرس" هم نشینی‌های عجیب و زوایای نامتداول را، در یک رویکرد رسمی چنان به کار گرفته بود که مفهوم تفاوت فضا و پیچیدگی وضعیت ایران و نیز بیگانگی ناظران (عکاس) را تقویت می‌کرد. او در این مجموعه با تأکیدی که بر پلاکاردها، جزئیات و پرتوهای رهبران دارد، کوشید بیانی از خود آگاهی ایرانیان در رسیدن به فضاهایی اسطوره‌ای و فراواقعی را به تصویر بکشد. کتاب "تلکس ایران"، به نحوی به فوتوژورنالیسم Photojournalism سیاه و سفید شباهت پیدا کرده است: عکس‌های زبر و زمخت سیاه سفید سی‌و‌پنج میلی‌متری، ریزناز شخصی متعهد را نشان می‌دهد در گرد باد حوادث تاریخی روز که در پیرامونش می‌گذرد. با این حال این کتاب از برخی جهات دیگر نیز کاری متفاوت است زیرا "ژیل پرس" میل به شناختن پیرامون خویش با احاطه‌ی عینی به سبک خبرنگاران غربی دارد بدین ترتیب همه ایران را زیر پا گذاشته و می‌کوشد تا بیننده عکس‌هایش را با نقش خود در مقام بیگانگی‌های ایران آشنا کند.



تصویر ۹: تبریز، سال ۱۹۷۹ میلادی، پرسمنوع تصویری: (Photobook, 1997, p.365)

مارک ریو Marc Riboud

متولد ۲۴ ژوئن سال ۱۹۲۳ میلادی در لاین Lyon فرانسه است. تحت راهنمایی‌های "برسون" وی به "مگنوم" پیوست و به دنبال عکس، شاه‌راه‌های جهان را پیمود. او مردی است که همدردی و دلسوزی‌اش با سوژه‌ها بیش



از آن است که بتواند با خونسردی و بی‌تفاوتی از دریچه‌ی منظره‌یاب آنها را نگاه کند. عکسی نظیر دو بانوی چادری که به صورت ضد نور در جلو چهره با شکوه "آیت‌الله خمینی" قرار گرفته‌اند که در سال ۱۹۷۹ توسط "ریو" عکاسی شده است، معادل تصویری جملات و عبارات روشنی است که یک فرایند فکری کامل را تشکیل می‌دهد، با ترتیب کلمات، احساسی را تشدید می‌کند، یا آن احساس را قبل از شدت گرفتن، نرم و آرام می‌نمایند. این تصاویر مختصر و مفید، درست به هدف می‌زنند و مدت‌ها پس از ضربه‌ی اولیه هنوز بازتاب دارند.

الیویر ریو Olivier Rebbot

در سال ۱۹۴۹ در پاریس بدنیا آمد. وی حرفه خویش را در زمینه عکاسی بعنوان روزنامه نگار در مجله هنری (اویل) L'oeil آغاز نمود. "ریو" وقایع مهم بین‌المللی از جمله انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م ثبت و ضبط نمود. وی در ژانویه سال ۱۹۸۱م، به‌هنگام انجام مأموریتی برای نیوزویک در میامی دیده از جهان

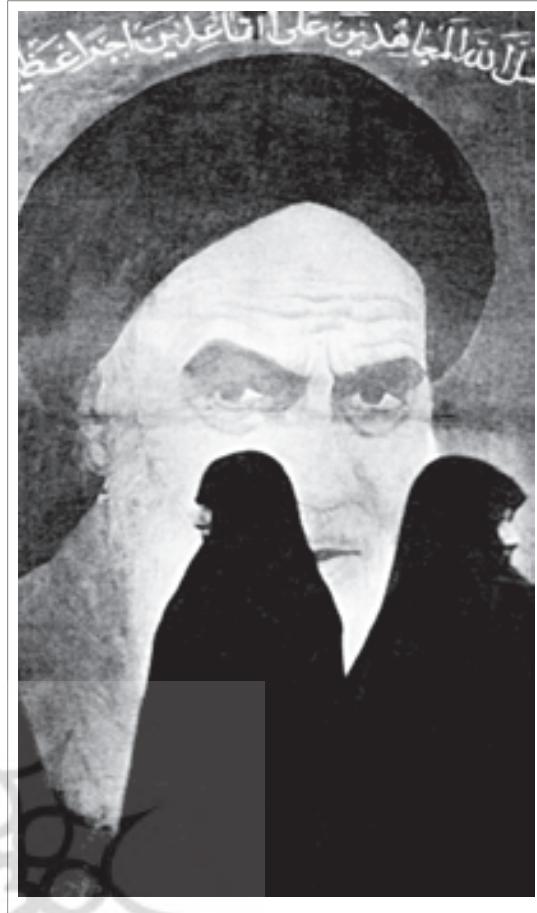




تصویر ۱۲: بدون عنوان، سال ۱۹۷۹ میلادی، سیون، منبع: (Setboun , 1979 , p.120)

◆ ژان گومی

"ژان گومی" Jean Gaumy متولد جنوب غرب فرانسه در سال ۱۹۴۸ م است . او در سال ۱۹۶۹ به آژانس عکس گاما Gama ملحق شد و چهار سال بعد وارد آژانس عکس مگنوم شد. او بین ۱۹۸۶ و ۱۹۹۴ چندین بار از ایران دیدن نمود. "گومی" نسبت به عکاسی از مجسمه‌های واژگون شده سران دولت و ستون‌های در حال فروپاشی (کاخ‌های ایشان) علاقه بسیاری نشان می‌دهد. در مجموعه عکس‌های کیس Case "ژان گومی" از ایران زنان بسیجی ملبس به چادر سیاه در حال تمرین با اسلحه در یک کمپ آموزشی در شمال شرقی تهران هستند. بنابراین در اندیشه "گومی" این زنان بیشتر از آنکه گزارشی از واقعیت زن ایرانی باشند، تابلویی نقش بسته از تصورات ایدئولوژی انقلاب اسلامی می‌باشند. چنین تصور تصنعی طراحی شده به مدد رپرترژهای پیشرفته در اواسط دهه ۸۰ که سادگی بی‌پیراستگی را می‌پسندیدند شانس زیادی برای موفقیت به دست آورد.



تصویر ۱۱: ایران، سال ۱۹۷۹ میلادی، ریویو، منبع: (روی ، ۱۳۸۳ ، ص ۶۰) .

◆ میشل سبون Michel Setboun

وی متولد سال ۱۹۵۲م، در فرانسه است. "سبون" عکاسی است که پوشش خبری وقایع ایران را از ماه می سال ۱۹۷۸ م، تا آوریل سال ۱۹۷۹ م برای آژانس خبری "سپا" Sipa به عهده داشت و به مدت ۶ ماه در ایران اقامت نمود؛ در سال ۱۹۷۶م "سبون" در مسیر زندگی حرفه‌ای خویش، روزنامه نگاری را برگزید و در بزرگترین آژانس‌های خبری دنیا از جمله: تایم، لایف، نیوزویک، و... فعالیت کرد. او در سال ۱۹۷۹ کتابی تحت عنوان "ایران" را چاپ نمود. وی درون قالب اصلی این عکس‌ها، طرحی از فصاحتی بی نظیر از شرایط ایران انقلابی ریخته است و پرتره‌ها که کل ساختار اصلی عکس‌ها را پر نموده‌اند، فضایی بی‌نقص و کامل را باورپذیر می‌نمایند.



تصویر ۱۳: زنان مشغول تمرین با اسلحه سال ۱۹۸۶ میلادی، گومی، منبع: (Phaidon, 1997 , p.128)

◆ نتیجه‌گیری

مستند نگاری فرانسوی‌ها در ایران، در آغاز، پرتره نگاری‌هایی بیشتر درباری با تاکید بر نورپردازی‌های ساده، و نگاه خیره به دوربین را شامل می‌شد، در عکس‌های "کارلیان" (معلم عکاسی ناصرالدین شاه) این مسأله به خوبی آشکار است. علاوه بر تک چهره‌نگاری، به جهت علاقه‌ی ناصرالدین شاه به عکاسی از طبیعت و مناظر، "هانری بلوکویل دوکولپوف" جهت مستندنگاری از مناظر و بناهای نقاط مختلف ایران به عکاسی در سفر می‌پرداخت که در عکس‌های وی، صراحت، بی‌پیرایگی و گزارش جامعی از اوضاع و شرایط اجتماعی جغرافیایی دیده و به دنبال آن درک کامل تر و واقع‌گرایانه‌تری نسبت به اوضاع و مسائلی که در حوزه‌ی حکومت شاه وجود داشت پیدا می‌شد و تفاوت فاحش «واقعیت» ایران، عقب ماندگی آزار دهنده‌ی آن نسبت به غرب را در نزد شاه آشکار می‌کرد. در سال‌های بعد تغییر ماهیت حرفه‌ای این مستند نگاران با توجه به شرایط کشور به وقوع پیوست، بدین ترتیب آنها علاوه بر گردآوری شناسنامه‌ی تصویری از ایران ویژگی‌های منحصر به فرد تفکرات خود را نیز در عکس‌ها دخیل می‌نمودند. این مستند نگاران (۱۳۶۸-۱۲۵۸ ه. ش) بر حسب حرفه‌شان به گروه‌های زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- نویسنده‌های عکاس نظیر "ژان دیولافوا" در عکس‌هایش، هویت خود را به عنوان یک زن دخیل ننموده و تنها به تکمیل سفرنامه تصویری و تصاویر ذهنی مردمان از ایران مبادرت ورزیده است. کنار هم قرار گرفتن عکس و نوشته‌ها و نشان دادن جنبه‌های زیبا شناختی ایران، مشخصه اصلی آثار وی بوده است.

۲- باستان شناسان و ایران شناسانی مانند "آندره گدار"، "ژاک دمورگان" که جهت فعالیت‌های باستان شناسی نظیر حفاری و تهیه عکس از بناهای باستانی، به ایران آمده‌اند. عکس‌های این گروه، از زیبایی شناسی عکاسی معماری برخوردار است و عکس‌های معماری آن‌ها حقیقت آنچه را که بناها به واقع هستند، بیان می‌کند.

۳- عکاسانی روزنامه نگار مثال "میشل سیون" و "الیویر ربو" که به مستند نگاری جهت تهیه عکس‌های مجلات و روزنامه‌های خبری مهم دنیا پرداخته‌اند. به طوری که شخصیت‌پذیری، نفی رابطه صریح قدرت عکاس بر موضوع عکس، به حداقل رسیدن مکان و قوم نگاری به وضوح در تصاویر آنها مشهودند.

۴- عکاسان آژانس مگنوم مانند "هنری کارتیه برسون"، "الیوت ارویت"، "برونو باربی"، "مارک ربیو" که جشن‌های شاهنشاهی، وضعیت دربار، شرایط داخلی و مردم ایران را با دیدگاه خاص خود به تصویر کشیده‌اند نگاه جامعه شناسانه

آن‌ها به ایران در عکس‌ها کاملاً مشهود است.

به صورت کلی می‌توان گفت، در تمامی ادوار عواملی نظیر دگرگونی نظام اجتماعی و سیاسی (انقلاب‌ها)، شکل‌گیری نگرش‌های نوین و ... در دیدگاه عکاسان فرانسوی تأثیرات بسزایی داشته‌اند. همانطور که در مستند نگاری‌های "ژیل پرس" عکاس از یک نسخه بردار مکانیکی به نقش شاهدهی با اختیارات تفسیرگری بیشتر و چند وجهی تغییر ماهیت داده است. تصاویر وی بینندگان‌شان را در جامعه شناسی عمیق و دواگنگی آزاد و غیر آمرانه درگیر می‌کند. در سال‌های بعد از جنگ و در پی نوسازی کشور، رحلت امام خمینی یکی از خبر سازترین اتفاقات بود. در عکس‌هایی که از این دوران موجود است، نظیر عکس‌های "ژان گومی" دیدگاه یک شاهد فرانسوی در کشوری غریب به عنوان منبع خبری صحه‌گذار ارائه شده است. هر کدام از این عکاسان فرانسوی، به شیوه خویش، با انگیزه‌های اساساً متفاوت و نحوه نگرش خاص خود، در مستند نگاری از ایران نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. در تعدادی از این عکس‌ها، واقعیت ایران در تقابل با انگاشت‌های بیگانگان قرار نگرفته و مؤلفان، این قلمروی تصویری را بسان آنچه زائیده تخیل غربی است بازنمایی کرده‌اند؛ اما در مواردی دیگر، عکس‌ها، تصور حاکم و غالب بر اذهان غربی‌ها را که افسون پر رمز و راز قصه‌های هزار و یک شب را در این منطقه می‌جستند، واژگون کرده‌اند.

جدول سال شمار عکاسان فرانسوی به ترتیب زمان حضور در ایران

ژول ریشار	۱۲۲۲ ه.ش	قاجار
کارلیان	۱۲۳۷ ه.ش	قاجار
هانری بلوکویل و کولپوف	۱۲۳۷ ه.ش	قاجار
ژان دیولافوا	۱۲۵۸ ه.ش	قاجار
ژاک دمورگان	۱۲۶۷ ه.ش	قاجار
آندره گدار	۱۳۰۶ ه.ش	پهلوی
برونوباربی	۱۳۴۱ ه.ش	پهلوی
هنری کارتیه برسون	۱۳۴۰ ه.ش	پهلوی
میشل سیون	۱۳۵۷ ه.ش	اواخر پهلوی و آغاز انقلاب
مارک ربیو	۱۳۵۷ ه.ش	آغاز انقلاب
الیویر ربو	۱۳۵۷ ه.ش	آغاز انقلاب
ژیل پرس	۱۳۵۷ ه.ش	آغاز انقلاب و جمهوری اسلامی
ژان گومی	۱۳۶۸-۱۳۵۷ ه.ش	آغاز انقلاب و جمهوری اسلامی

با توجه به جدول در می‌یابیم که میزان حضور عکاسان فرانسوی در ایران در دوره‌های "قاجار"، "پهلوی" و "آغاز انقلاب"، هر سه به میزان مساوی بوده‌است و در دوره "جمهوری اسلامی" به میزان کمتری در این کشور به مستند نگاری پرداخته‌اند.

◆ فهرست منابع

- ۹- واکر، یان، **داستان مستند**، ترجمه: محمد تقی فرامرزی، مجله عکسنامه، تهران، شماره ۵، ۱۳۷۸.
- ۱۰- کاتالوگ پژوهش‌های باستان‌شناسی فرانسه در ایران، موزه ملی ایران، تهران، چاپ کیانقش، ۱۳۸۰.
- 11- Elliot Erwit, Paris : (-) ISBN 0 - 8512- 3456
- 12- Magnum landscape -(1996) Paris: phaidon press, ISBN 0714836427, 1997/1998
- 13- Michel, Setboun, Iran - l'e'clatement, le sycamore, Abeille Jewish publication society, ISBN O-8276- 075i-2 ISBN 88-317-8641-5, 1979
- 14- Photo book, Phaidon press Inc, ISBN 0-7148-3937-X, 1997.
- 15- World Press photo, this critical mirror (???), Belgium: Thames and Hudson, , ISBN 0-500-27848-2
- 16- Jean Calmard, Jean Dieulafoy in: www.wikipedia.org, published by wikimedia Inc, 2007
- 17- Olivier, Rebo, in: www.theimagemuseum.com, published by image museum, 2007
- 18- www.magnumphotos.com, published by magnum photos, 2007-2008
- 19- Delpire Robert le film des photographies Henri Cartier Bresson, 2004
- ۱- دیولافوا، ژان، **کلده و شوش**، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
- ۲- ذکاء، یحیی، **تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران** تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۳- گذار، آندره، **آثار ایران - مشهد: انتشارات مؤسسه آستان قدس رضوی**، چاپ دوم، ۱۳۷۱
- ۴- نصیری مقدم، ناهید، **ژاک دمورگان و سفرهای علمی او به ایران**، ایران از دیدگاه ژاک دمورگان تهران: انتشارات کاخ گلستان، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- ۵- ارویت، الیوت، **الیوت ارویت**، ترجمه پویک بایرامی، مجله عکسنامه، تهران، شماره ۴، ۱۳۷۷.
- ۶- روی، کلود، **چشم پوسه زن ریو**، ترجمه کرامت منظوری، مجله عکس، تهران، شماره ۲۰۷، ۱۳۸۳.
- ۷- شیخ، رضا، **آلبوم یادگاری**، مجله عکسنامه، تهران، شماره ۱۱، ۱۳۸۲.
- ۸- طهماسب پور، محمدرضا، **پدیده عکاسی در ایران عصر قاجار**، مجله عکس، تهران، شماره ۱۶۴، ۱۳۷۹.

